

نوع مقاله: پژوهشی


معنا و مفهوم واژه «ایام‌الله» در آیات قرآن و عهدین

ک سیدسعید میری / دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء^ع بهبهان

miri@bkatu.ac.ir  orcid.org/0000-0001-7779-3318

محمدعلی همتی / دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن شیراز

mohammadalihemati@gmail.com

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸

چکیده

موضوع این پژوهش، بررسی اصطلاح «ایام‌الله» در دو متن مقدس قرآن و عهدین است. هدف از این جستار درک معنا، مفهوم و مصادیق «ایام‌الله» در متون ابراهیمی به‌مثابه اصطلاحی خاص است. روش تحقیق کتابخانه‌ای و متن‌محور با تکیه بر خصیصه استنادپژوهی و برون‌مایه تحلیل است. براساس این پژوهش «یوم‌الله» در عهدین به معنای «روز قیامت» و در بیشتر موارد در معنای «انتقام» به‌مثابه تجلی قدرت جبهه حق آمده است؛ یعنی روزهایی که خداوند از کافران و ظالمان انتقام سختی گرفته است؛ مانند روز سقوط اورشلیم. ولی در برخی از تفاسیر قرآن کریم و روایات ذیل آنها، وسعت معنایی بیشتری از انتقام به‌عنوان مدلول این واژه به نسبت عهدین استفاده می‌شود، لیکن بیشترین ظهور مفهومی «ایام‌الله» در آیات قرآن نیز در انتقام سخت از جبهه باطل است. در هر دو رویکرد بر لزوم پاسداشت و تکریم این ایام تأکید شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، عهدین، ایام‌الله، انتقام.

سه دین یهود، مسیحیت و اسلام از ادیان ابراهیمی به شمار می‌روند. محور هر سه دین «توحید» است. قرآن دو کتاب تورات و انجیل را کتاب‌هایی معرفی می‌کند که در طول تاریخ در آنها دخل و تصرف شده است؛ ولی با این حال معتقد است: این کتاب‌ها در بردارندهٔ معارف الهی و فی‌الجمله قابل تصدیق اند (آل عمران: ۵۰؛ بقره: ۱۰۱؛ رک: نقوی، ۱۳۹۰). از این رو بررسی برخی موضوعات و مفاهیم حوزه الهیات در این دو دین می‌تواند به فهم دقیق‌تر موضوعات دینی کمک کند.

یکی از این مفاهیم دینی «یوم‌الله» است که در هر سه متن ابراهیمی ذکر شده است. در این ترکیب وصفی، «یوم» به خدا نسبت داده شده است. بی‌تردید وقتی چیزی توسط خداوندگار هستی به شکل خاص به او نسبت داده می‌شود و بر تکریم و زنده نگه داشتن آن تأکید می‌گردد، ناگزیر دارای حکمت خاصی است که توجه به آن و درک و کاربست آن در زندگی انسان‌ها تأثیرهای مهمی خواهد داشت.

از سوی دیگر، ملت ایران در تاریخ معاصر خود ایام ویژه سترگی را در کارنامه حیات خود ثبت کرده که منشأ تحولات مهمی در این دوران شده و این روزهای سرنوشت‌ساز را «یوم‌الله» نامیده است. کاربست احیاگرانه این اصطلاح توسط بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی^ع و رهبر معظم انقلاب و تأکید آنان بر لزوم توجه به این مفهوم، ضرورت بازخوانی و تأمل بیشتر در این اصطلاح را ضروری می‌سازد.

بدین‌روی برای درک عمیق‌تر این مفهوم و استفاده حداکثری از ظرفیت و محتوای آن، خاستگاه این واژه و معادل آن در قرآن و عهدین بررسی و تحلیل خواهد گردید.

علاوه بر نقطه‌نظرات مفسران در خصوص «ایام‌الله» ذیل آیات مربوطه، از قبیل *تفسیر نمونه* (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۲۰)، پژوهش‌های پراکنده‌ای در خصوص ایام‌الله از دیدگاه قرآن کریم صورت گرفته است؛ از قبیل: «ایام‌الله: روزهای بزرگ تاریخی، هنگام پیدایش رحمت‌ها یا نعمت‌های ویژه» (اکبری کارمزدی، ۱۳۸۸)؛ «ایام‌الله در قرآن» (سعدی، ۱۳۸۴)، و نیز برخی تحقیقات در خصوص ضرورت یادآوری ایام‌الله صورت گرفته؛ از جمله مقاله «یادآوری ایام‌الله» (بی‌نام، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸)، لیکن هیچ‌گونه پژوهشی در خصوص بررسی تطبیقی ایام‌الله از دیدگاه قرآن و عهدین دیده نشده است.

۱. مبانی نظری تحقیق

۱-۱. «یوم‌الله»

واژه «یوم» در زبان عربی به معنای زمان بین طلوع خورشید تا غروب است. نیز به معنای «کون» (وجود، وضع، حالت) است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۳۳). همچنین به مدتی از زمان نیز گفته می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۰۶ق، ج ۱۲، ص ۶۵۰). گاهی نیز به معنای مطلق زمان به کار رفته است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۷۷۹)./ابن‌فارس

می‌نویسد: یاء و واو و میم یک اصل دارد و به معنای روز و جمع آن «ایام» است، سپس استعاره برای کار بزرگ گردیده است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۶ ص ۱۵۹).

در زبان عبری نیز واژه «אָיום» (yowm) معادل «یوم» - که به معنای روز، زمان و سال است - (کلین، ۱۹۸۷، ص ۲۵)، به معنای بخشی از زمان، در شریعت حضرت موسی ﷺ فصل طویلی را به خود اختصاص داده است، به گونه‌ای که در عهد عتیق، قریب ۲,۳۰۴ بار ذکر شده است. این واژه گاهی به معنای حد فاصل بین طلوع و غروب خورشید است (پیدایش، ۱: ۵) که در این معنا بیشترین کاربرد را دارد، و گاهی به معنای دوره‌ای از زمان است (جسنیوس، ۱۸۸۲، ص ۳۸۸). کاربرد اخیر به یک دوره خلقت اشاره دارد (پیدایش، ۲: ۳).

۲. یوم‌الله در ادیان ابراهیمی

اینک به بررسی مفهوم و مدلول «یوم‌الله» در عهد عتیق، عهد جدید و قرآن کریم می‌پردازیم:
با توجه به زبان قرآن که زبان عربی است، لازم است برای درک بهتر مفهوم «یوم‌الله» در قرآن، ابتدا واژه «یوم» در زبان عربی تبیین شود:

۲-۱. «یوم» در زبان عربی

واژه «یوم» در زبان عربی به معنای زمان بین طلوع خورشید تا غروب است. نیز به معنای «کون» (وجود، وضع، حالت) است. وقتی گفته می‌شود: «بِعَمِ الْأَخِ فُلَانٌ فِي الْيَوْمِ» یعنی: «فِي الْكَائِنَةِ مِنَ الْكَوْنِ إِذَا نَزَلَتْ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۳۳). همچنین به مدتی از زمان نیز گفته می‌شود. سیبویه گفته: «الیوم» در اصل «الیوم» بوده که بعد حرف واو تخفیف یافته است. وقتی عرب می‌گوید: «أَنَا الْيَوْمَ أَفْعَلُ كَذَا» منظور یک روز نیست، بلکه مرادش وقت حاضر است (ابن منظور، ۱۴۰۶ق، ج ۱۲، ص ۶۵۰). «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ» (آل عمران: ۱۵۵). «وَأَلْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَمَ» (نحل: ۸۷، رک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۹۴). گاهی نیز به معنای مطلق زمان به کار رفته است. و وقتی گفته می‌شود: «یومِ یوم» کنایه از شدت و سختی زمانی است که شر آن طول روز فرد را فراگرفته باشد (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۷۷۹).

ابن فارس می‌نویسد: یاء و واو و میم یک اصل دارد و به معنای روز است و جمع آن «ایام» است، سپس استعاره برای کار بزرگ گردید (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۶ ص ۱۵۹).

۲-۱-۱. معانی اصطلاحی «یوم»

بنا بر آنچه گفته شد، این وضع اولیه لغت برای تعیین زمان مشخص بوده است. با گذشت زمان، معنای واژه توسعه یافته و شامل معانی دیگری گردیده است (علی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۶، ص ۹۸). از جمله می‌توان به معنای روزگار (دهر) اشاره کرد که رایج‌ترین کاربرد مجازی یوم است، به گونه‌ای که گاهی در متون ادبی، واژگان ایام و دهر قرین هم

آمده که نمونه آن در تاریخ/ابن خلدون است که می‌نویسد: «... و عَلَى الْخَلِيفَةِ بِهَا بَعْدَ أَيَّامٍ مِنَ الدَّهْرِ» (ابن خلدون، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۳۷۴).

استعمال مجازی «یوم» به تدریج بیشتر گردید، تا جایی که سعد و نحس امور نیز به یوم منتسب شد که نمونه آن در اشعار جاهلی وجود دارد؛ مانند سروده طرفه بن عبد:

فَأَمَّا يَوْمُهُنَّ فَيَوْمٌ نَحْسٍ تُطَارِدُهُنَّ بِالْحَدَبِ الصَّفْوَرُ

(طرفه، ۲۰۰۰، ص ۳۸)؛

اما روز آنها روز بدیمنی است که جنگجویان با شمشیر به آنها حمله می‌کنند.

دوران حکومت طوایف و ملوک نیز به «ایام» منسوب گردیده، به گونه‌ای که عناوین برخی از بخش‌های کتب تاریخ به آن نامگذاری شده است؛ مانند این عبارت: «ذِكْرُ طَسْمٍ وَ جَدِيسٍ وَ كَانُوا أَيَّامَ مُلُوكِ الطَّوَائِفِ» (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳۵۱) که عنوان بخشی از تاریخ/ابن اثیر است.

۲-۲. «یوم» در قرآن

واژه «یوم» به صورت مفرد و جمع قریب ۴۰۰ بار در معانی گوناگونی در قرآن ذکر شده است. یکی از معانی «یوم» در قرآن، روز در مقابل شب است که شواهد آن فراوان است؛ مانند: «... قَالَ كَمْ لَيْلَتٍ قَالَ لَيْلَتٌ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ...» (بقره: ۲۵۹)؛ گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا پاره‌ای از روز را درنگ کردم.

این بخش آیه گفت‌وگوی خدا با یکی از بنی اسرائیل است که مطابق نقل مفسران، ظاهراً عنزیر یا/رمیا است (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۲۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۸۸). در جواب خداوند که پرسید: چقدر زمانی اینجا درنگ کرده‌ای؟ نگاهی به خورشید کرد که در حال غروب است و جواب داد: یک روز یا نصف روز (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۵).

در قرآن مجید، ترکیب وصفی و اضافی «یوم» با کلمات دیگر زیاد به کار رفته که در بیشتر موارد ناظر به اسم یا وصفی از روز قیامت است؛ از جمله: یوم الدین، یوم القیامه، یوم البعث، یوم الفتح، یوم الدین، یوم یبعثون، یوم الحساب، یوم التلاق، یوم الآزفه، یوم التناد، یوم الجمع، یوم الوعید، یوم الخلود، یوم الخروج، یوم عسیر، یوم عسیر، یوم معلوم، یوم التغابن، یوم الفصل، یوم عظیم، یوم کبیر، یوم الیم، یوم عصیب، یوم محیط، یوم مجموع، یوم مشهود، یوم الحسره، و یوم یبعثون که تمام این ترکیب‌ها درخصوص روز رستاخیز بوده و در سیاق عظمت، مهابت، بزرگی، تهدید و وعید بیان شده است.

از سیاق جملات و آیات دربرگیرنده این تعابیر استفاده می‌شود که «یوم» در لسان این‌گونه آیات دربرگیرنده مقطع زمانی سرنوشت‌ساز، خطیر، حتمی، سخت، وحشتناک و بی‌مانندی است که انسان‌ها باید زمان را از دست نداده، با اهتمام و بیم واقعی از آن مقطع زمانی خود را برای چنان زمانی آماده کنند.

در معدودی از آیات، این ترکیب (یوم + مضاف‌الیه یا صفت) ناظر به روز یا مقطعی زمانی در دنیا استعمال شده است؛ از جمله: یوم الفرقان، یوم التقی الجمعان، یوم حنین و یوم الحج الاکبر که در این موارد نیز به گواهی تاریخ و سیاق آیات و سوره‌ها، از زمان‌هایی یاد شده که اتفاق مهمی در آن مقاطع زمانی یا آن روزها افتاده است.

۲-۳. ایام‌الله در قرآن

در آیات قرآن ترکیب «یوم‌الله» به صورت مفرد نیامده، اما در دو آیه ترکیب «ایام‌الله» آمده است. در ادامه هریک از این دو مورد جداگانه بررسی و مراد از «ایام‌الله» ارائه می‌گردد:

نمونه اول

در سوره مبارکه «ابراهیم» خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم: ۵). در این آیه خداوند به حضرت موسی علیه السلام دو فرمان می‌دهد: یکی خروج بنی‌اسرائیل از ظلمت به سوی نور، که مفسران آن را به خروج از گمراهی به هدایت، و کفر به ایمان تفسیر کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۱۲۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۴۱۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶ ص ۲۷۴؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۶۴)؛ و دوم فرمان یادآوری «ایام‌الله» به بنی‌اسرائیل است. اینک این سؤال مطرح است که منظور از «ایام‌الله» چیست؟

مفسران در این باره آراء متفاوتی دارند. برخی مراد از آن را یادآوری نعمت‌های خداوند ذکر کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۱۲۳؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۰). این قول منسوب به ابن‌عباس، مجاهد و قتاده است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۳۴۱). در این باره باید گفت: قرآن در برخی آیاتش به بنی‌اسرائیل گوشزد می‌کند که نعمت‌های خداوند را به یاد آورند (بقره: ۴۰، ۴۷ و ۱۲۲؛ مائده: ۲۰؛ ابراهیم: ۶). یکی از مهم‌ترین نعمت‌های خداوند به بنی‌اسرائیل رهایی آنان از دست فرعون (انتقام الهی از فرعون و اعوان وی) و خروج از مصر و ورود به ارض موعود است که خداوند در آیه محل بحث به حضرت موسی علیه السلام دستور می‌دهد که به یاد آنان بیاورد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۱۲۲).

برخی نیز ذکر «ایام‌الله» را اشاره به ترساندن بنی‌اسرائیل از روزگار عاد و ثمود و کسانی دانسته‌اند که مانند آنها بودند و به عذاب و انتقام الهی دچار شدند و نیز دیگرانی که مورد بخشش واقع شدند (فراء، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۸؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۹۸؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۲۸). ظاهراً برای طبرسی این معنا رجحان داشته است؛ زیرا آن را اولین قول آورده، می‌گوید: مؤید این معنی شعر عمرو بن کثوم است:

وِإِيَّامٍ لَنَا غَرُطِوَالُ عَصِينَا الْمُلْكَ فِيهَا ان نَدِينَا

یعنی: چه روزگار درخشان طولانی که پادشاهی عمرو بن منذر را گردن نهاده‌یم و به دین او درنیامدیم! بنابراین، مقصود ایامی است که خداوند از گردن فرازان انتقام گرفته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۶۷).

البته طبرسی «ایام‌الله» را به معنای «نعمت‌ها» در قول دوم آورده، می‌گوید: همین معنا از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است (همان). ایشان قول سومی را نیز ذکر کرده که «ایام‌الله» زمان وقوع سنن الهی، اعم از انعام و انتقام است که جامع دو قول قبل است (همان).

علامه طباطبائی تفسیر کسانی همچون طبرسی که «ایام‌الله» را به ایام ظهور نعمت‌های خداوند اختصاص داده و طبرسی که ایام مذکور را به ایام عذاب خداوند منحصر کرده‌اند، ناقص دانسته، معتقد است:

شکی نیست که مراد از «ایام» ایام مخصوصی است و نسبت دادن ایام مخصوص به خدا با اینکه همه ایام و همه موجودات از خداست، حتماً به خاطر حوادثی است که در آن ایام مخصوص به وجود آمده و امر خدای تعالی را ظاهر ساخته است که در دیگر ایام چنین ظهوری رخ نداده است. پس به‌طور مسلم مقصود از «ایام خدا» آن زمان‌هایی است که امر خدا و آیات وحدانیت و سلطنت او ظاهر شده و یا ظاهر می‌شود؛ مانند روز مرگ که در آن روز سلطنت آخرتی خدا هویدا می‌گردد و اسباب دنیوی از سببیت و تأثیر می‌افتند، و نیز مانند روز قیامت که هیچ‌کس برای دیگری مالک چیزی نیست و برای کسی کاری نمی‌تواند بکند و همه امور تنها به دست خداست، و نیز مانند ایامی که قوم نوح و عاد و ثمود در آن ایام به هلاکت رسیدند؛ چون این‌گونه ایام، ایامی هستند که قهر و غلبه الهی در آن ظاهر گشته و عزت خدایی خودنمایی کرده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۱۸).

علامه تفسیر فوق را برای آیه مسلم دانسته است، اما احتمالات دیگری را - که به همان دیدگاه ظهور و بروز ویژه امر خداوند برمی‌گردد - نیز در معنای «ایام‌الله» رد نکرده است. از این رو می‌گوید:

ممکن هم هست ایام ظهور رحمت و نعمت الهی جزو این ایام بوده باشد؛ البته آن ایامی که نعمت‌های الهی آنچنان ظهوری یافته که در دیگر ایام به آن روشنی نبوده است؛ مانند روزی که حضرت نوح و یارانش از کشتی بیرون آمدند و مشمول سلام و برکات خدا شدند، و روزی که ابراهیم علیه السلام از آتش نجات یافت، و امثال اینها؛ زیرا این‌گونه ایام، مانند ایام مذکور دیگر، در حقیقت نسبتی به غیر خدا نداشته، بلکه ایام خدا و منسوب به اویند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۱۸).

آنچه در تفسیر علامه از «ایام‌الله» قابل توجه است، ظهور ویژه امر خداوند در چنین روزی است که از نشانه‌های عزت خداوند است، اعم از ظهور نعمت و تقمت. این تفسیر از حیث دلالت بر ظهور تقمت با آنچه در عهدین در معنای «روز خدا» آمده بود نیز اشتغال دارد. بر این اساس باید ظهور عذاب را نشانه عزت و ظهور ویژه امر خداوند بدانیم؛ زیرا در هیچ‌یک از عبارات عهدین، «ایام‌الله» به معنای ظهور نعمت نیامده، بلکه در همه موارد در معنای یادآوری روز عذاب و سختی است.

از سوی دیگر آیه محل بحث در قرآن (ابراهیم: ۵) حکایت حضرت موسی علیه السلام و بنی‌اسرائیل را بیان می‌کند؛ همان‌گونه که عبارات ناظر به «ایام‌الله» در عهدین نیز حکایت پیامبران بنی‌اسرائیل و قومشان را بیان می‌کند. از این رو به نظر می‌رسد تفسیر «ایام‌الله» در این آیه به «ایام انتقام» به قرینه تصریح و تأکید عهدین بر این مفهوم، اولی است. بدین‌روی وجود عنصر «انتقام» در مفهوم «ایام‌الله» در قرآن و عهدین وحدت موضوعی دارند. بنابراین

به نظر می‌آید قول علامه به علت شمول بر همه اقوال، نسبت به سایر تفاسیر جامعیت بیشتری دارد، گرچه طبرسی نیز به هر دو قول اشاره کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۶۷).

نمونه دوم

آیه‌ای دیگری که «ایام‌الله» در آن ذکر شده، آیه ۱۴ سوره «جاثیه» است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (جاثیه: ۱۴)؛ به کسانی که ایمان آورده‌اند بگو تا از کسانی که به ایام‌الله (روزهای [پیروزی] خدا) امید ندارند، درگذرند، تا [خدا هر] گروهی را به [سبب] آنچه مرتکب می‌شدند، به مجازات رساند.

همان گونه که در آیه ۵ سوره «ابراهیم» حضرت موسی علیه السلام موظف بود «ایام‌الله» را به بنی‌اسرائیل یادآور شود، در این آیه، این وظیفه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محول گردیده است. در اینجا دو موضوع باید بررسی شود:

۱. مراد از کسانی که به «ایام‌الله» امید ندارند چه کسانی هستند؟

۲. منظور از «ایام‌الله» در این آیه چیست؟

در پاسخ به سؤال اول، برخی گفته‌اند: مراد کفار هستند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۸۷۳؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۸۳؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۶۷۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۱۶۴). برخی هم مشرکان (فراء، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۵، ص ۸۷؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۲۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۵) و برخی نیز گفته‌اند: منظور منافقان هستند (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۱۲۴).

به نظر می‌آید منظور از «کفار» همان مشرکان هستند و این معنا در سخن علامه طباطبائی مشهود است؛ زیرا ایشان ابتدا می‌گویند: در این آیه شریفه به رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد به مؤمنان امر کند که از بدی‌های کفار چشم‌پوشی کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۱۶۴) و در ادامه می‌افزاید:

در نتیجه، [خداوند] رسول گرامی خود را دستور می‌دهد تا به این گونه افراد از مؤمنین اعلام بدارد که باید از مشرکین نامبرده عفو و اغماض کنند... (همان).

همچنین ممکن است علت این اختلاف در مصادیق به سبب شأن نزول‌های متفاوت باشد که تا چهار شأن نزول برای آیه نقل شده است (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۹۷). ابن‌عاشور روایات سبب نزول فوق را ضعیف می‌داند و تنها روایت مکی‌بن‌ابی‌طالب را محتمل می‌داند، با این مضمون که شخصی به عمر دشنام داد. عمر تصمیم گرفت او را تنبیه کند، تا اینکه آیه نازل شد و او را به گذشت دعوت کرد (ابن‌عاشورا، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۳۹۵). در هر حال، قرائن بیشتر حاکی از اشاره به مشرکان است تا کفار، مگر اینکه مراد از «کفار» به معنای اعم باشد که مشرکان را نیز دربر گیرد.

مسلماً آنچه به لحاظ عقلی باید به کافران و مشرکان لجوج یادآوری شود بیشتر قهر و خشم و انتقام الهی است، نه نعمت‌های او.

در پاسخ به سؤال دوم نیز مفسران مانند آیه ۵ سورة «ابراهیم»، دیدگاه‌های متفاوتی دارند:

برخی مراد از «ایام‌الله» را نعمت‌های الهی دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۵، ص ۸۷؛ ثعالی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۰۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۴۵).

گروهی دیگر «ایام‌الله» را به عذاب‌ها و نعمت‌های الهی تفسیر کرده‌اند (مقاتل‌بن سلیمان، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۸۳۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۱۵۸).

برخی «ایام‌الله» را، هم به معنای نعمت و هم به معنای نعمت تفسیر کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۵۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۷، ص ۶۷۴).

برخی دیگر «ایام‌الله» را روز قیامت دانسته‌اند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۲۴۷). از نظر علامه طباطبائی این آیه شریفه در مکه نازل شده و در سیاق آیات قبل قرار گرفته که حال مستکبران و مستهزئان به آیات خدا را بیان می‌کند و ایشان را به شدیدترین عذاب تهدید می‌نماید... و مراد از «آنان که امیدوار و منتظر ایام خدا نیستند»، کفاری (مشرکانی) است که در آیات سابق از ایشان سخنی گفته شد؛ زیرا مشرکان معتقد به آمدن روزهایی برای خدا نبودند، که در آن روزها غیر از حکم خدا حکمی، و غیر از ملک او ملکی نباشد، در حالی که خدا دارای چنین روزهایی است؛ مانند: روز مرگ و روز برزخ و روز قیامت و روز عذاب انقراض و استیصال (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۱۶۴).

اینجا هم - چنان که مشاهده می‌شود - دست «انتقام الهی» در برداشت مفسران برجسته آشکار است. نکته مهمی که باید بدان توجه داشت این است که سیاق آیات هر دو آیه در مفهوم انتقام، ظهوری صریح دارد. آیه اول (ابراهیم: ۵) در سیاق وعید و تهدید کفار، ظهور بارزی دارد. سه آیه پیش‌تر در آیه دوم همین سوره، کفار را به علت نپذیرفتن دعوت الهی، به عذاب شدید تهدید می‌کند: «وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ». جمله‌ای که مقتضای صفت «عزت» را بیان می‌کند در آیه قبل از آن (آیه یکم) ذکر شده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۱۵). «عزّت» حالتی است در انسان که نمی‌گذارد مغلوب کسی شود و شکست بخورد، و اصل آن از «ارض عزاز: زمین سفت» گرفته شده و در قرآن کریم آمده است: «أَيُّتَّبِعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۹، ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۶۳).

در آیه سوم به توصیف برخی ویژگی‌های کفاری پرداخته است که مستحق چنین عذابی هستند. در آیه چهارم دوباره به شکست‌ناپذیری خداوند در خلال ذکر صفت «عزت» رجوع نموده، در نهایت، در آیه پنجم به ضرورت یادآوری «ایام‌الله» توسط حضرت موسی علیه السلام به قومش اشاره کرده است.

دوباره دومین آیه محل بحث (جائیه: ۱۴) نیز گرچه مفسران نظریات متفاوتی ابراز داشته‌اند (جمعی از مفسران این جمله را تهدیدی برای کفار و مجرمان دانسته‌اند، در حالی که بعضی دیگر آن را بشارتی نیز برای مؤمنان در برابر این عفو و گذشت شمرده‌اند. ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص

۲۴۷)، لیکن سیاق جملات آیه ظاهراً بیشتر ناظر به انتقام است: «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ إِيْمَانَ اللهُ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (جاثیه: ۱۴)؛ در این آیه از قرار گرفتن جزای الهی در کنار کسانی که به «ایام‌الله» امیدی ندارند، به نظر می‌رسد منظور از این جزا، کیفر است که در حقیقت انتقام الهی از این افراد است.

علامه طباطبائی ضمن پذیرش این تفسیر از آیه، معتقد است: اینکه به پیامبر گفته شده باید به مؤمنان دستور دهد تا از رفتار مشرکان چشم‌پوشی کنند، برای این بود که هیچ حاجتی به مؤاخذه کردن ایشان نبوده است؛ زیرا خداوند به زودی ایشان را مطابق آنچه کرده‌اند، کیفر می‌دهد؛ چراکه روز جزا، خود یکی از «ایام‌الله» است. از نظر وی ساختار ادبی و معنوی آیه [در سیاق تهدید] شبیه آیات ذیل است:

– «وَوَدَّيْنَا مِنَ الْمُكْذِبِينَ أُولَىٰ النَّعْمَةِ وَمَهَلْهُمْ قَلِيلًا إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا» (مزل: ۱۱)؛

– «فَذَرَهُمْ يَخَوْضُوا وَيَلْبَعُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ» (زخرف: ۸۳)؛

– «فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (زخرف: ۸۹).

این در حالی است که منافاتی ندارد، هم وعده‌ای برای مؤمنان (اهل عفو) و هم وعیدی برای کفار باشد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۴۷).

در مجموع، می‌توان گفت: برآیند نظریات گوناگون درباره معنای «ایام‌الله» در آیه فوق، ظهور ویژه عزت، عظمت، سلطنت و یکتایی خداوند است که عمدتاً در قالب نعمت و بسا در قالب نعمت تجلی پیدا می‌کند.

۳. یوم‌الله در عهد عتیق

در عهد عتیق، اضافه شدن این واژه به «Yahovih» (خدا (روز خدا)، دو مفهوم دینی «روز قیامت» و «روز انتقام» را شکل می‌دهد.

در عهد عتیق در کتاب اشعیا/ اشعیا (۲) فصلی به نام «روز خداوند» وجود دارد که البته به روز قیامت اشاره دارد (ر.ک. اشعیا، ۲: ۶-۲۲). همچنین در عهد عتیق «یوم‌الله» به معنای «روزی که خداوند در آن انتقام می‌گیرد»، به عصر پیامبران پیشگو اختصاص دارد که از زمان اشعیا نبی آغاز گشته و پیامبران بعد از خود، یعنی ارمیا، حزقیال، یوئیل، عاموس، صفیا و ملاکی را شامل می‌شود. دوره این پیامبران یادآور سقوط اورشلیم و بابل است و حکایت از ظلم و ستمی دارد که به واسطه نافرمانی از فرامین الهی، انتقام خداوند را در پی داشت. پیش‌تر عبارتی از اشعیا نبی درباره روز خداوند در معنای روز قیامت ذکر گردید. در این کتاب، روز خدا در معنای دیگری نیز آمده است که در ادامه می‌آید.

اشعیا در کتابش پیشگویی می‌کند که خداوند بابل را مجازات می‌کند. مجازات در روزی اتفاق می‌افتد که «یوم‌الله» نامیده شده است: «شیون و ناله کنید؛ زیرا روز خداوند نزدیک است و آن روزی است که قادر متعال

همه را هلاک می کند» (اشعیا، ۱۳: ۶). در عبارت فوق، ترکیب «יְהוָה יוֹמָה» (yowm Yahovih) به معنای «یوم‌الله» است.

واژه «יֹמָה» (yowm) معادل «یوم» در اصل عربی است و «יְהוָה» (Yahovih) اسم خاص یهوه است که نزد یهودیان اسم خاص خداوند است. ترکیب فوق معادل «یوم‌الله» است. در سال ۵۹۷ ق م بابلیان به سرکردگی نبوکدنصر اورشلیم را تسخیر کردند و مردم آن دیار را به اسارت بردند؛ یعنی از یهود بابت سرپیچی از اوامر انبیا انتقام گرفته شد. بعد از اینکه مردم به پیشنهاد پیامبرانشان توبه کردند، نوید آزادی آنان و مجازات بابلیان (انتقام) توسط خداوند داده شد.

در کتاب /رمیا/ نیز خداوند درباره اقوام گوناگون با/رمیا/ سخن می‌گوید. اولین آنها قوم مصر است که در «کرکمیش» شکست سختی خوردند. خداوند این روز را روز خودش (یوم‌الله) نامید که در آن انتقام گرفت:

امروز روز خداوند متعال است. امروز روزی است که او انتقام خواهد گرفت و دشمنان خود را مجازات خواهد کرد. شمشیر او آنها را آنقدر خواهد خورد تا کاملاً سیر شود، و آنقدر از خون آنها خواهد آشامید تا سیراب شود. امروز قادر متعال در شمال، در کنار رود فرات، مغلوبان را قربانی می‌کند (رمیا، ۴۶: ۱۰).

در این عبارت، دوبار واژه «روز» «יֹמָה» (yowm) آمده؛ یک بار به «خداوند» اضافه شده «יְהוָה יוֹמָה יִצְחָק» (yehayom hahu ladony yehwih) و یک بار هم به «انتقام» اضافه گردیده است «יֹמָה יִצְחָק» (yowm naqamah).

نکته قابل توجه اینکه در عبارت اول برای تأکید اختصاص این روز به خداوند، دو واژه «יְהוָה» (Adonay) به معنای صاحب، خداوندگار، و واژه «יְהוָה» (Yahovih) به معنای یهوه و خداوند است که اسم خاص برای خداوند در عهد عتیق و نزد یهودیان است. این پیشگویی در «حزقیال» نیز آمده و آن روز «یوم یهوه» نامیده شده است (حزقیال، ۳۰: ۳).

در کتاب یوئیل در سه موضع به «روز خداوند» اشاره شده است که مجازات سختی در خلال آن خواهد بود؛ مانند: «وای بر ما! زیرا روز خداوند نزدیک است؛ روزی که خدای قادر مطلق نابودی و هلاکت بر ما می‌آورد» (یوئیل، ۱: ۱۵).

عبارت فوق در سیاق عبارات [از سر انتقام]ی است که یوئیل بنی‌اسرائیل را به توبه دعوت می‌کند و هشدار می‌دهد در صورتی که توبه نکنند در روز خداوند هلاک خواهند شد. وحشتناک بودن این روز در فصل بعدی کتاب «یوئیل» بیان شده است (ر.ک: یوئیل، ۲: ۱۱-۱). برای نمونه، در آیه ۳۱ اینچنین آمده است: «قبل از آنکه روز عظیم و وحشتناک خداوند فرارسد، آفتاب تاریک و ماه رنگ خون خواهد گرفت» (یوئیل، ۲: ۳۱). در این عبارت شدت و هیبت بلا به تاریکی آفتاب و خون آلودگی ماه تشبیه شده است.

بافت و سیاق عبارات پیامبران پسین عهد عتیق که آیات روز خداوند به معنای «روز انتقام» در آنها قرار دارد، ناظر به انتقامجویی خداوند از ظالمان به دست مؤمنان است که در نهایت، به پیروزی مؤمنان و شکست کافران

منتهی می‌شود. گویی خداوند برهه‌هایی از زمان را که قرار است اتفاقات خاص و مهمی به وقوع بپیوندد، به خود اختصاص می‌دهد.

۴. یوم‌الله در عهد جدید

واژه «ywm» (yuwim) معادل «یوم» به معنای روز (کاستاز، ۲۰۰۲، ص ۱۳۹) در عهد جدید مکرر ذکر شده است. این واژه در معنای اصلی روز - از صبح تا غروب - بیشترین کاربرد را دارد (ر.ک: متی، ۲۷: ۴۰) و همچنین در معنای دوره‌ای از زمان نیز آمده است (عبرانیان، ۴: ۴).

۴-۱. معانی یوم‌الله

ترکیب اضافی דְּיָוִם דֵּמָרָן (deyawmeh demaran) (مارگلیوت، ۱۹۰۳، ص ۱۹۰) معادل «یوم‌الله» در دو مفهوم دینی به کار رفته که یکی به معنای «روز رستخیز» و دیگری به معنای «روز انتقام» است. معنای اخیر در چند جای عهد جدید ذکر شده است. در «اعمال رسولان» در روز «پنتیکاست»، بعد از اینکه روح القدس نازل شد و الهاماتی به افراد حاضر بخشید، شخصی از باب استهزا، حاضران را مست دانست. پطرس در جواب او گفت: این وعده‌ای است که یوئیل داده است: «پیش از آمدن آن روز بزرگ و پرشکوه خداوند، خورشید تاریک خواهد شد و ماه رنگ خون خواهد گرفت» (اعمال رسولان، ۲: ۲۰). در فصل یک، از این روز به «روز خدا» تعبیر شده بود (یوئیل، ۱: ۱۵).

در عهد جدید، آمدن «یوم‌الله» برای گرفتن انتقام - از حیث وقوع سریع و به یکباره - به دزدی تشبیه شده است که بی‌خبر می‌آید: «زیرا شما خوب می‌دانید که روز خداوند مانند دزدی که در شب می‌آید، فراخواهد رسید» (اول تسالونیکیان، ۵: ۲)؛ «از عذاب این روز مفری نیست و بسیار هولناک است» (ر.ک. اول تسالونیکیان، ۵: ۳).

انتظار کشیدن برای آمدن «یوم‌الله» در عهد جدید از کارهای پسندیده است: «و شما باید در انتظار روز خدا باشید و طوری کار کنید که آن روز زودتر برسد...» (دوم پطرس، ۳: ۱۲).

اضافه شدن «یوم» به «الله» در سیاق انتقام در متون مقدس کهن، بر وجود یک اصل توحیدی دارای اهمیت دلالت دارد؛ اهمیت از آن نظر که خداوند با عوامل متعددی در نهایت، از کافران انتقام می‌گیرد. در عهد عتیق یکی از این عوامل عذاب و انتقام، افراد مؤمن هستند؛ اما در عهد جدید اشاره‌ای به آنها نشده و عذاب و انتقام را فقط به خداوند منتسب کرده است. از سیاق عبارات عهدین که «یوم‌الله» را روز انتقام معرفی کرده است، برداشت می‌شود که مؤمنان باید به این روز امیدوار باشند و آن را گرمی بدانند و به همین سبب باید در انتظار آن باشند.

نتیجه‌گیری

۱. گرچه «یوم‌الله» در عهدین به معانی «روز انتقام» و «روز قیامت» آمده، ولی در بیشتر موارد به معنای «انتقام» تصریح نموده است؛ یعنی روزهایی که خداوند از کافران و ظالمان انتقام سختی گرفته است. چه بسا اشمال این اصطلاح بر قیامت نیز به علت انتقام سخت الهی در قیامت از دشمنان خدا و ظالمان باشد.
۲. از تفاسیر آیات قرآن کریم و روایات ذیل آنها، وسعت معنایی بیشتری از انتقام به‌مثابه مدلول و مراد واژه «ایام‌الله» به نسبت عهدین استفاده می‌شود، لیکن گرچه بیشترین ظهور مفهوم «ایام‌الله» در انتقام سخت است - همان‌گونه که فرازهای عهدین در این خصوص ظهور بیشتری دارند - اما اساساً «یوم‌الله» در عهد عتیق به معنای «روز ظهور ویژه نعمت الهی» نیامده است.
۳. در اکثر قریب به اتفاق موارد ذکر «یوم‌الله» در قرآن کریم، نوعی بزرگی، اهمیت، سختی و متفاوت بودن با روزهای عادی به خواننده القا می‌شود.
۴. گرچه فرایند تحقق «یوم‌الله» پیش‌نیازهای گوناگون و عمدتاً زمان‌بری دارد، لیکن گویی همچون وقوع آن، عموماً در پی حوادث سخت به‌ویژه جهاد سرسختانه با جبهه باطل اتفاق می‌افتد و از همین جا می‌توان به نقش بی‌بدیل جهاد در گشایش حیات مادی و معنوی مؤمنان بیشتر پی برد.

منابع

- قرآن کریم، ۱۳۷۳، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چ دوم قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- کتاب مقدس، ترجمه قدیم، ترجمه مزده، ترجمه هزاره نو، نرم افزار مؤده.
- ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، ۱۳۸۵ق، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ق، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار صادر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۹۸۸م، *دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر.
- ابن عاشور، محمداطاهر بن محمد، ۱۴۲۰ق، *التحریر والتنویر*، ط. الثانیه، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد بن زکریا، ۱۳۹۹ق، *معجم مقاییس اللغة*، بیروت، دارالفکر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمدحسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۶ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- اکبری کارمزدی، محمد، ۱۳۸۸ «ایام الله: روزهای بزرگ تاریخی، هنگام پیدایش رحمتها یا نعمت‌های ویژه»، در: *دائرة المعارف قرآن*، قم، بوستان کتاب.
- بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، ۱۴۱۵ق، *لباب التاویل فی معانی التنزیل*، تصحیح محمدعلی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بی‌نام، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸، «یادآوری ایام الله»، *یاسداس اسلام*، ش ۲۰۷، ص ۴.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸ق، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدعلی معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ق، *مفردات الالفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالعلم.
- زبیدی، مرتضی محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس*، بیروت، دارالفکر.
- سعدی، محمدجواد، ۱۳۸۴، «ایام الله در قرآن»، *مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان*، ش ۱۱، ص ۱۳۳-۱۶۰.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المشور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فصل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان عن تأویلی القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
- طرفه بن العبد، ۲۰۰۲م، *دیوان الشعر*، تحقیق مهدی محمد ناصرالدین، ط. الثانیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- علی، جواد، ۱۴۲۲ق، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، ط. الرابعه، بیروت، دار الساقی.
- فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد، بی تا، *معانی القرآن*، تحقیق احمد یوسف نجاتی و همکاران، مصر، دارالمصربه للتألیف و الترجمه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، چ دوم، قم، هجرت.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تحقیق حسین اعلمی، چ دوم، تهران، صدر.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.

قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

میبدی، احمدبن محمد، ۱۳۷۱، *کشف الاسرار و عدة الأبرار*، چ پنجم، تهران، امیرکبیر.

نقوی، حسین، ۱۳۹۰، «تدوین تورات و انجیل از دیدگاه آیات قرآن»، *معرفت ادیان*، سال سوم، ش ۱، ص ۲۱-۲۰.

Costaz, Louis, S.J., 2002, *dictionnaire syriaque- francais, syriac-english dictionary*, Third Edition, Beyrouth, dar el-machreq.

Gesenius, William, 1882, *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, Boston, Houghton Mifflin Harcourt.

Klein, Ernest, 1987, *A Comprehensive Etymological Dictionary of the Hebrew Language for Readers of English*, Carta, The University of Haifa.

Margoliouth, MRS, 1903, *A Compendius syriac of R. Payne Smith*, Oxford at the Clarendon Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی